

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

خبر مقدم،
تحفه ارسالی شما را با کمال مسرت دریافت نموده و نشر کردیم. آرزومندیم که این امر طلیعه ای باشد برای همکاری
های دایمی شما با پورتال.
پورتال AA-AA

خالق داد
"گزارشگر" پورتال AA-AA

نقش نیروهای اشغالگر در نا آرامی های هرات

دوستان نهایت عزیز سلام ، همان طوری که وعد نموده بودم تا شما را در جریان وقایع ولایات متعدد قرار دهم ، هفته گذشته به حساب کار های روزمره زندگی مسافرتی داشتم به هرات یا به تعبیر انقیاد طلبان "هانکانگ" افغانستان. خلاف تمام تبلیغاتی که در مورد هرات صورت می گیرد و آنرا به مثابه محراق رقابت های اقتصادی بین "ایران آخندی" و قوای "اشغالگر ناتو" ، چشم امید جهان غرب در بازسازی معرفی می دارند، این شهر تاریخی نیز تافته جدا بافته از کل افغانستان نبوده، به علاوه آنکه تخریبات سه دهه جنگ و جنایت در هر گوشه و کنار چشم تازه وارد را به خود معطوف می سازد، فضای ترس و هراس از عدم امنیت و اختطاف چنان بالهای سیاه ودهشتناک خویش را بر تمام شهر پهن نموده که کمتر خانواده با حد اقل امکان رفاهی جرئت آنرا دارد تا طفل ویا زن و دختر جوان شان را بدون معیت یک ویا چند محافظ به بیرون از خانه روانه دارند. تعداد محافظان به صورت مستقیم متناسب است با میزان مکنت خانواده ، چنانچه همین اکنون خانواده هایی وجود دارند که برای محافظت شان بین ۱۰ الی ۲۰ محافظ مسلح در استخدام دارند. این عدم امنیت که در مقطع کنونی از طرف خاص و عام به آن اشاره صورت می گیرد بر اساس صحبت یک تن از معاریف آن شهر که می توان به جرئت درک و برداشت وی را مورد تائید قرار داد در جهات مختلف وروی عوامل چند وجود دارد که ذیلاً به آن پرداخته میشود. لازم به یاد آوریست که این گزارش به اصطلاح می تواند به مثابه "سرخط اخبار" مورد توجه قرار گیرد.

۱- اداره مستعمراتی ولایت به مانند اداره مستعمراتی کابل، ترکیببست از باند های مختلف قدرت، که ناف هریک از آنها به طریق خاصی با نیروهای اشغالگر بسته است. این باند ها خلاف آنکه در سرکوب ، اختطاف وکشتار مردم دست آزاد دارند، در رویارویی با همدیگر خیلی محتاط بوده از طرفی انگیزه بقا واز جانب دیگر دستور های اکید نیروهای اشغالگر آنها را و می دارد تا نسبت به هم از خشونت کار نگیرند. این باند ها که درکل از سه قسمت تشکیل یافته اند، قرار آتی اند:

الف:
نیروهای مربوط به جنگ سالار والی "سید حسین انوری" که به صورت عمده زیر پوشش انگیزه بقا برای بخشی از مردم هرات جمعی را با خود همراه ساخته ضمن برخورداری نسبی از امکانات اداری ولایت، بین ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ نفر مسلح نیز از آن پشتیبانی می نماید.

ب:
نیروهای وفادار به جنگ سالار معروف "اسماعیل خان" که علاوه داشتن نفوذ گسترده بین به اصطلاح "اردوی ملی" و "پولیس ملی" و بخشی از بیروکراسی ولایت، از پشتیبانی ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ مرد مسلح نیز برخوردار است.

نیروهای طرفدار مولوی "خدا داد" رئیس شورای علمای هرات، می باشد که آنها نیز از زمان حاکمیت مستقیم "خلیل زاد" بر افغانستان دارای بهترین رابطه با نیروهای اشغالگر بوده، با داشتن ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ سرباز در مقابل هیچ نیرویی خود را پاسخ گو نمی دانند.

این سه نیروی جنایتکار که در بالا از آنها تذکار به عمل آمد در دشمنی با مردم، دامن زدن به فقر و فحشاء، زدودن امنیت و گسترش نا امنی و نوکری به نیروهای اشغالگر دارای عین خصیصه و عملکرد بوده، به جز سرچشمه ها و دهانه های قدرت و پول در هیچ چیزی دیگری از هم متفاوت نیستند. شیوه های کار آنها علیه مردم به خصوص هنگام گروگان گیری و اختطاف نیز مانند هم بوده به گفته یک شاهد عینی، آنها با استفاده از وسایل اداره مستعمراتی و لایت و در لباس حافظین نظم و امنیت در محضر عام به آدم ربائی دست می زنند. آنها به قسمیکه فرد مورد نظر را به نام آنکه از طرف دولت جلب گردیده، دستبند می زنند هر گاه در میان کسی از نیروهای رقیب متوجه قضیه گردد آن فرد را به عنوان مشکوک به یکی از ادارات تحت فرمان خود برده بعد از اذیت و کوب کافی و گرفتار پول رها می نمایند، در صورتیکه کسی متوجه آنها نگردیده و از تهدید های آنها ترسیده علت دستگیری را جویا نشود، فرد دستگیر شده و یا بهتر است گفته شود اختطاف شده را به یکی از زندانهای مخفی خود برده شکنجه آغاز می یابد.

به گفته یک تن از شهود دیگر که زمانی در چنگال آنها اسیر بوده و موفق به فرار شده است و اکنون سخت در تلاش است تا به مانند هزاران دیگر، دار و ندار خویش را به ربع قیمت فروخته خود را از وحشت حاکمیت اسلام سیاسی نجات دهد، شکنجه های آنها کاملاً انحصاری بوده در هیچ جای دیگر نمیتوان مشابه آنرا سراغ گرفت. آنها به خاطر در هم شکستن مقاومت طرف مقابل و خانواده اش با یک دست بریده خونچکان اختطاف شده جدید را سیلی کاری می کنند و در صورت ابراز سرسختی و مقاومت با سر بریده یک انسان دیگر به فرق اختطاف شده جدید زده به او گوشزد می نمایند که چه عاقبتی در صورت تمرد در انتظارش می تواند باشد.

(در همان مجلس که یک تن از بازاریان و دو سه تن "موتروان" حرفه یی شهر نیز وجود داشتند، در مقابل سؤال عکس العمل نیروهای اشغالگر هر یک مطالبی اظهار داشتند که شاخ در سر آدم بی خبر از سیاست های استعماری می توانست بیرون سازد. من جمله به گفته آن بازاری ننتها نیروهای اشغالگر با این حرکات مخالفی ندارند، بلکه خود مشوق آنها بوده در اکثر قضایایی که به اختطاف می انجامند، نمایندگی های سفارت های انگلستان و هالیوید دست مستقیم دارند. حتا در یکی دو مورد که قضیه افشاء شده و مردم از دستگیری فرد معینی به احتجاج دست زده اند، اختطاف کنندگان با پیش نمودن گزارشات دو سفارت قبلاً تذکار یافته از پیگرد مردم خود را نجات داده اند.

همچنین یک تن از رانندگان سوگند می خورد که آنچه را می گوید بخشی از سرگذشت خودش می باشد می گوید: (در یکی از روز ها که از بیکاری به جان آمده بودم و نمی دانستم جواب مالک موتر را که کانتینر دار می باشد چه بدهم با پیشنهاد جالبی رو به رو گردیدم و آنها اینک:

یک روز خلیفه (اسم از طرف پورتال به خاطر مسایل امنیتی حذف شده است) نزد آمد و پرسید که یک کار نان و آبدار دلم می خواهد و یاخیر؟ من که با وی مزاح داشتم، گفتم: "به غیر از "مرده گوی، قاچاق بری و آدم کشی" هر کار دیگری که باشد می کنم به شرط آنکه امید پول بچه هایم را بیتیم و زخم را بیهو نسازد"
خلیفه با یک مزاح زشت که بین ما از قبل وجود داشت گفت: "نترس بچیم..... فقط مال را در کانتینرت گذاشته و تا نزدیکی های "دل آرام" می بری. شب را هر دونفر در جایی تیر کرده فردا و یا پس فردا کانتینر هارا دوباره برمی گردانیم."

من که کنجکاو شده بودم خواستم بیشتر بپرسم مگر خلیفه..... با همان عادت و زبان همیشگی پاسخ مرا داده چیزی بیشتر از آن نگفت. وقتی کار را قبول کردم و تعهد کردم که برای کسی دهان باز نکنم، او دست مرا گرفته نزد یک "ایتالوی" برد. در آنجا روی قیمت و امنیت باهم صحبت نمودیم. "ایتالوی" نامیده به علاوه آنکه به حساب قیمت، سه چند نرخ بازار، پول پرداخت از لحاظ امنیتی هم تضمین نموده خاطر ما را جمع ساخت. دو روز بعد از آن من و خلیفه کانتینر ها را در قشله امریکایی ها برده بار زدیم و عازم فراه رود و از آنجا "دل آرام" گردیدیم. در وسط راه در یک محل به حساب نشانی و به تعقیب خلیفه از سرک بر آمده دو ساعت در دشت ها پیش رفتیم. در آنجا خلیفه کانتینر خود را مقابل یک چرتقیل بزرگ ایستاده کرده به من هم گفت که عین کار را بنمایم. کانتینر ها را از از موتر ها جدا کرده به وسیله جر ثقیل آنها را بر زمین گذاشتند و از ما خواستند تا موتر های خود را برداشته دو روز بعد به همین جا برگردیم. دو روز بعد به آنجا برگشته کانتینر ها را مجدداً سوار موتر نموده به راه افتادیم. بعد از اینکه این رفت و برگشت چندین بار تکرار شد و ما هم به فضل خداوند یک شکم نان سیر خوردیم به فکر آن افتادم که درون کانتینر ها یک نگاه بیندازم. چشم ات روز بد نبیند کانتینر ها پر سلاح و مهمات بود، که خدا گردنم بسته نکند برای طالب ها داده می شد.)

این بود شمه از آنچه در هفته اول اقامت در هرات، بدان دست یافتیم، من گزارشات را همان طوری که شنیده بودم برایتان ارسال داشتم، بدون آنکه تبصره ای بر آن بیفزایم. امید است گزارشات بعدی ام خوبتر از این باشد.

یادداشت :

با تشکر از آقای "گزارشگر" که گزارشی از عمق فجایعی که در هرات می گذرد و به امید آن که در آینده گزارشات کاملتری از "گزارشگر" و سایر دوستان نیز برای ما برسد، تذکر چند نکته را الزام آور می بینیم:

۱- افغانستان نه اولین کشور است و نه هم آخرین کشوری خواهد که در آن امپریالیزم و ارتجاع دست در دست و دوشادوش همدیگر به قلع و قمع یک ملت دست می یازند. تاریخ تمام جوامع دیگر به وضاحت نشان داده است که این دو حیوان "انسان خوار" همیشه ممد و مددگار همدیگر بوده همانطوری که ارتجاع چماق سرکوب در دست امپریالیزم است، امپریالیزم نیز نگهبان و حامی ارتجاع می باشد. این قضیه در افغانستان نیز صدق نموده، روابط پنهان و آشکار نیروهای اشغالگر با احاد نیروهای ارتجاعی بهترین سند برای اثبات این ادعای ما می باشد.

۲- از همان اولین روز های درگیری "بوش و ملا عمر" که ماشی جنگی امپریالیزم امریکا به منظور به زیر کشیدن "امیر المؤمنین" به کار افتید، برای آنها نیکه با انواع عملیات جنگی آشنائی دارند، مسلم گردید که هدف از عملیات "تارومار" کننده امریکا علیه طالبان، نابودی آنها نبوده بلکه آنها را به خاطر روز مبادا در آستین غدر نگهداشتن است. تا در موقع لازم دوباره روی صحنه آورده منافع آزمندان و غارتگرانه امپریالیستی خویش را تضمین نمایند. در نتیجه رسانیدن چند کانتینر سلاح برای طالب، آنها از طریق به خدمت گرفتن افراد و ترانسپورت های ملکی به احتمال اغلب به یقین رأس مخروط کمک های امپریالیستی به طالب را نمایش داده، علت آنها به علاوه احتیاط های امنیتی مقابل کشور های رقیب چون انگلستان و هواداران خورد و بزرگش، ملاحظاتی از بابت ایران نیز می باشد.

پورتال AA-AA